



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



5 جون 2024

داکتر سید عبدالله کاظم

به تقریب پنجاه ویکمین سالروز کودتای 26 سرطان 1352

## تماس و مراجعه به دریافت نظربعضی کشورها قبل از کودتا

سفر داکتر حسن شرق در ماه جوزای 1351 به شوروی و چکوسلواکی:

در باره تماس قبلی با مقامات شوروی و کشور هند، اگرچه تاهنوز اسنادی رسمی در دست نیست، ولی سفر داکتر حسن شرق زیر نام مریضی به مسکو و چکوسلواکیه و نیز سفر موصوف به بهانه تداوی دخترش به هند، این احتمال را که او بنام سفر شخصی با مراجع رسمی دو کشور به تماس شده و درباره تحول رویدست در کشورجویای نظر آنها شده باشد، در ذهن تقویه میکند. داکتر شرق در کتاب "کرباس پوشهای برهنه پا" می نویسد: «در اثر مریضی که داشتم جهت معاینه عمومی و تشخیص، سال گذشته باید بخارج میرفتم. محمد داؤد موافقه نمودند تا جهت تداوی به چکوسلواکیه بروم و فرمودند اگر چیزهای تازه و دلچسپی به نظر شما آمد، یادداشت و با خود بیاورید. از آنرو از راه شوروی عازم چکوسلواکیه شده در ضمن با سفیر افغانستان عبدالرزاق ضیائی دیدار کردم [ضیائی از طرفدارن کودتا بود] و برای اینکه اگر بشوروی تداوی میسر شده بتواند، برای دو هفته توقف از راه دائره سیاحین شوروی ویژه گرفتم.»

داکتر حسن شرق در طول سفر از دیدار با افغانها که در آن کشورها مصروف تحصیل بودند و آگاهی از نظریات شان درباره وطن در کتاب خود ذکر میکند، ولی یک حرف هم در باره دیدار با مراجع رسمی بخصوص در مسکو به زبان نمی راند، در حالیکه محمد داؤد از او خواسته بود که "چیزهای تازه و دلچسپ" را یادداشت و با خود بیاورد. از این هدایت واضح میشود که پیامهایی باید بوسیله او به مراجع رسمی آن کشور ارسال شده باشد که نتایج آنرا باید یادداشت کرده و به اطلاع محمد داؤد برساند. طوریکه داکتر شرق می نویسد: «در بازگشت چشم دیدهای خود را بحضور محمد داؤد تقدیم داشتم.» جای بسیار تعجب است که در این چشم دیدها البته صفت از دختران زیبا روی اوزبک و ترکمن که در رستورانها کار میکردند و نظر مردم درباره آنها که این دختران با مراجع شوروی ارتباط دارند و موضوعات نظیر آن در کتاب گزارش یافته است. (برای شرح مزید دیده شود - شرق، داکتر حسن: "کرباس پوشهای برهنه پا"، صفحه 96 - 98)

اینکه آیا تقدیم همچو گزارشات مطلوب محمد داؤد بوده یا چطور، سؤالیست که جواب آن منطقاً "نه!" است. در این ارتباط لازم دیده میشود چندسطری از کتاب دیگر داکتر شرق "تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان" در اینجا اقتباس گردد تا برای خواننده معلوم شود که داکتر شرق برای پنهان کردن اصل موضوع یعنی تماس با مقامات شوروی و حصول نظرشان در مورد تحول رویدست در کابل که محمد داؤد علاقمند آگاهی از آن بود، چه داستان مضحک را به حیث گزارش سفر خود بیان میدارد که مایه ای تعجب میگردد. موصوف می نویسد: «در اخیر جوزای 1351 به مشوره اطبای معالج و اجازه محمد داؤد جهت دیدن از تاشکند و مسکواز طریق دفتر سیاحین شوروی وارد شوروی و برای تداوی عازم چکوسلواکی شدم. من که همزمان با تداوی وظیفه داشتم تا مشاهداتی درباره اوضاع کشور مذکور و آنچه به اصطلاح در کوچه و بازار شان می گذرد، حین اقامت یا عبور از انجاها حتی المقدور با خود آورده باشم، برای تعمیل هدایت گفته شده یک منبع معلومات وجود داشت و آنهم تماس با محصلین افغانی بود.»

او می افزاید: «از چند روز توقف و تماس با محصلین و کارمندان افغانی در تاشکند که از نا آرامی و ناراضی بودن تاجک ها و اوزبک ها از روس ها به شک افتیده بودم، با تصادف نیک در چایخانه ای نزدیک هتل

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنيزی بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

تاشکند با چند نفر اوزبیک و تاجک هایی که به زبان تاجیکی صحبت داشتند، برخورد نموده و برای اینکه راه صحبت را با آنها باز کرده باشم، از آنها درباره دختری که دامن کوتاه و بازوان و ساقه های برهنه چای آورده بود، پرسیدم: باور نمی‌کردم دخترهای اوزبیک به این مقبولی و آزادی لباس پوشیده باشند. یکی از آنها با عصبیت گفت: چنین دخترها یا کمونیست شده اند و یا با روس ها ازدواج کرده اند. دخترهای شریف اوزبیک و تاجک هرگز چنین لباس ها را نمی پوشند. گفتگو و اظهارات نیک آنها در باره افغان ها مرا واداشت تا وقت برآمدن از چایخانه دعوت اوشان را جهت صرف نان شب به هوتل تاشکند بپذیرم. محبت آنها در آن شب بالاتر از توقع بود.... آنها روس ها را به حیث اشغالگران کشور خود و دشمن آزادی و اسلام می شناختند. آنها از بیعدالتی و ستمگری روس ها به اوزبیک ها و تاجک ها با دیده های اشک آلود سخن می گفتند. آنچه برایم باور نکردنی بود، آنها در آن شب با چشم دیدهای خود، مرا از ناباوری و در تاریکی قرار داشتن درباره نظام شوروی به سوی روشنی و باوری می بردند.»

«فردای آن شب [از تاشکند] بسوی مسکو پرواز کردم. در مسکو به ظرف چند روز توقف با بعضی از محصلین و کارکنان سفارت که برخوردیم، بیشتر توجه آنها به تبدیل اسعار و فروش اموال مسافری تازه وارد بود تا به مسایل ساسی و ایدیالوژیک شوروی. اما آنچه از نظر پوشیده نبود، رشوت بود که تقریباً گره گشای مشکلات پولداران شده بود و بی ارزشی روبل به مقابل دالر...» (حسن شرق: «تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان»، چاپ دوم، 1348 - 2005م، صفحه 143 - 144) [این بود مختصر مطالبی که حسن شرق به حیث گزارش سفر به گفته خودش - به درخواست محمد داؤد خدمت شان تقدیم داشته است. یاللعجب - کاظم]

### سفر داکتر شرق به هند:

همچنان داکتر شرق درباره سفر خود به کشور هند مینگارد: «محمد موسی شفیق وزیر خارجه حکومت داکتر عبدالظاهر بعد از اینکه از حضور ملوکانه مامور کابینه شدند، بزودی کابینه خود را تشکیل و به ظرف یک روز بدون سروصدا از شورای ملی رأی اعتماد گرفتند.... آنچه از حلقه های نزدیک به وی شنیده می شد، ایشان اول تر از همه به تقسیم آب هیرمند [هلمند] با ایران و یک طرفه کردن موضوع پشتونستان با پاکستان تصمیم داشتند تا به مسایل دیگر..... کودتاچیان که هنوز خلاهای خود را برای حمله [منظور کودتا است] پر نکرده بودند، صلاح به آن دیدند که یکی دوماه تا روشن شدن وضع با دید و ادید محرمانه ادامه داده و از جذب اشخاص جدید بکلی جلوگیری گردد و ضمناً در اطراف نفوذ و شناخت و یا رابطه ای طرفداران محمد موسی شفیق میان جمهوری خواهان مطالعه و معلومات شوند.»

شرق در ادامه می نویسد: «در این میانه دخترم.... دوچار ناجوری گرده میشود و داکتر معالجه تداوی او را به داخل کشور ناممکن و توصیه معالجه وی را به هندوستان نمودند... او را بهند بردم و از توجه یک دوست هندوستانی به زودی به شفاخانه "مدیکل" بستری و بصورت رایگان تداوی گردید.» (شرق: «تأسیس و تخریب اولین جمهوری...»، صفحه 148 - 149)

داکتر شرق باز هم گزارشی را بعد از برگشت به حضور محمد داؤد تقدیم کرد که محتوای آن مثل گزارش سفر مسکو همه در حاشیه بود تا دراصل، چنانکه می نویسد: «...به اجازه و مصلحت سرگروپ ها [؟؟] جهت تداوی دخترم خود به هند رفتم. مدت یکماه در هند بودم. به سفارت هم نخواستم و هم نتوانستم تماس داشته باشم.... من بیشتر درباره احزاب کمونیست در هند متوجه شدم... که دیانت و غرور ملی نزد انسانها بالاتر از همه مادیات قرار دارد.... از یک زن کهنسال جاروکش بیسواد توسط ترجمان در هند پرسیدم: شما چرا به حزب کمونیست داخل نمی شوید تا از حقوق شما دفاع کنند؟ با تعجبی که اصلاً باورم نمی شد، گفت: اینها به بت ها و خداهای ما عقیده ندارند... روشنفکران هندی از نشان داس و چکش و رنگ سرخ بیرق حزب کمونیست هند که همانند بیرق شوروی بود، راضی نبودند و می گفتند که ما سالها رنج بیرق انگلیس را در فضای کشور خود کشیده ایم، دیگر هیچ بیرقی - غیر از بیرق ملی هند را بر فراز کشور خود تحمل نخواهیم کرد...»

شرق می نویسد: «بعد از بازگشت راپور مطالعات خود ا به محمد داؤد تقدیم کردم؛ او بعد از مطالعه با اظهار رضایت مندی گفت این نوشته مشابه نظریات و معلوماتی میباشد که خودم درباره هندوستان از سالها به اینطرف به آن معتقد بودم.» («کرباس پوشهای برهنه پا»، صفحه 100)

از این معلوم میشود که هدف اصلی سفرداکتر حسن شرق به شوروی و هند و تقدیم راپور سفر به محمد داود احتمالاً در میان گذاشتن تغییر نظام در افغانستان و آگاهی از نظر آنها در زمینه بوده است که حسن شرق از بیان آن در کتابهای خود طفره رفته و نخواست و یا ذکر آن ایجاب نمیکرده است و واقعیت موضوع را بیان کند.

#### تماسهای وحید عبدالله با سفارت امریکا:

تا یک مدتی حتی گفته می شد که سردار محمد نعیم برادر محمد داود قبلاً از پلان کودتا آگاهی نداشت، چه رسد به اینکه بعضی کشورهای مهم از راز نهان کودتا در جریان بوده باشند. بعدها معلوم شد که سردار نعیم خان نه تنها از کودتا مطلع بود، بلکه در آن راستا نقش بازی میکرد، چنانکه به مشوره او موضوع جهت نظریاتی با سفارت امریکا بوسیله سید وحید عبدالله در میان گذاشته شده بود.

خوشبختانه اکنون اسنادی در دست است که آگاهی محمد نعیم خان را از تصمیم کودتا یک سال سه ماه قبل از وقوع آن بیان میکند. اخیراً متن تلگراف مورخ 31 مارچ 1972 (11 حمل 1351 ش) سفیر آنوقت امریکا در کابل "رابرت نیومن" در مورد مراجعه وحید عبدالله به نمایندگی از محمد داود به دولت امریکا در رابطه به قدرت رسیدن مجدد محمد داود به نشر رسیده که در این اواخر از قید اسناد "محرمانه" امریکا آزاد و در دسترس همه قرار گرفته و آنرا فواد ارسلان از انگلیسی به دری ترجمه و بتاریخ 13 جون 2015 در ویبسایت وزین افغان جرمن آنلاین تحت عنوان "تلگرام سفیر امریکا رابرت نیومن در مورد مراجعه وحید عبدالله به نمایندگی از شهید داودخان به دولت امریکا و درخواست نظر امریکا در رابطه به دوباره به قدرت رسیدن سردار داود" به نشر سپرده است. نظر به اهمیت موضوع اینک متن مکمل این گزارش را در اینجا اقتباس میدارم:

#### [ترجمه سند به زبان دری] سند مخفی نمره 196 تلگرام مخفی به وزارت خارجه

نمره ثبت تلگرام سفارت از کابل: 1806

نمره ثبت تلگرام در وزارت خارجه: 8837

تاریخ: 31 مارچ سال 1972 میلادی مطابق 11 حمل سال 1352 هجری شمسی  
از طرف: سفیر؛ موضوع: افغانستان شک و تردید های سیاسی-

#### خلاصه:

در روزهای اخیر یک فضای سیاسی بحرانی در کابل ظهور کرده است؛ با وجود آنکه واقعیت های عینی چندان با این فضای متردد و بحرانی مطابقت نمیکند. استعفای وزیر صحنه به صورت خصوصی تأیید شده است و راپورهای معتبر استعفیای های وزرای دیگر موجود است. از طرف دیگر یک نفر واسطه صدر اعظم سابق شهزاده داود به جناب سفیر مراجعه کرده و پرسیده است که اگر شهزاده داود دوباره به قدرت برسد، نظر اضلاع متحده امریکا در این مورد چیست؟

**درخواست:** از وزارت خارجه درخواست میگردد تا نظر شان را در مورد این مراجعه و سوال سردار داود به سفارت امریکا به ما بفرستند و هدایت بدهند که چه جوابی به وی داده شود. **ختم خلاصه.**

1 - در این روزها یک بحران سیاسی گنگ و نامشخص در کابل در جریان است که عمیقتر از حقایق معلوم و مشخص به نظر میرسد. عوامل این بحران شامل ادامه توقف فعالیت در پوهنتون، اقتصاد گند، قیمتی مواد ارتزاقی و توزیع غیر مساویانه مواد ارتزاقی، کمبود بوره، راپور معتبر استعفای وزیر صحنه (شاید استعفیای قبول نشده باشد) و راپور تصمیم به استعفیای توسط وزرای معارف و داخله میباشد. همچنان تصمیم کابینه در مورد ادامه پالیسی قبلی در مورد پشتونستان که منتقدین حکومت آنرا یک نمونه دیگر بی تصمیمی حکومت تعبیر مینمایند، قصه های رشوتخوری توسط مقامات بلند رتبه حکومت، سوء اداره، و عدم تکمیل نصاب در ولسی جرگه عوامل دیگر مشمول در این بحران میباشد.

2 - برای ساکنان کابل که در اینجا مدت زیاد زنده گی کرده اند، به شمول من، این موضوعات بسیار غیر عادی و بسیار بزرگ است. از طرف دیگر با آنکه لست مشکلات بالا بدون در نظر گرفتن موفقیت های حکومت غیر عادلانه به نظر میرسد، اما به نظرمی آید که در داخل حکومت یک نوع حالت قبولی این وضعیت و نکردن هیچ کاری

در رفع این مشکلات مشاهده میشود و به نظر میرسد که حکومت از کوشش کردن برای رفع این مشکلات خسته شده و پادشاه بخاطر این ادعا در موردش که وی تصمیم گرفته نمیتواند یا نمیخواهد تصمیم بگیرد مورد انتقاد روز افزون قرار گرفته است.

**3 -** در ارتباط با مقدمه بالا وزارت خارجه باید مسائل ذیل را مورد ملاحظه قرار بدهد:

**مسئله اول-** به تاریخ 11 مارچ مطابق 21 ماه حوت سال 1350 رئیس دفتر اطلاعات وزارت خارجه افغانستان، وحید عبدالله، به خواهش خودش به خانه سفیر امریکا تشریف آورد. ما وحید عبدالله را از سالها به اینطرف منحیت یک طرفدار سرسخت صدراعظم سابق سردار داود میشناسیم. در این ملاقات وحید عبدالله از من پرسید که اگر سردار داود دوباره قدرت را بدست بگیرد، عکس العمل امریکا چه خواهد بود؟ در مقابل این سوال وی، من از وی پرسیدم که آیا این سوال را از من به امر سردار داود میپرسد؟ وحید عبدالله به من به صورت غیرمستقیم چنین جواب داد: " سردار داود میداند که من اینجا هستم." من به جواب وی گفتم که برای من مناسب نیست که در مورد مسائل داخلی افغانستان نظر بدهم.

**مسئله دوم-** به تاریخ 27 ماه مارچ سال 1972 میلادی مطابق به 7 حمل سال 1352 وحید عبدالله دوباره با یک مامور سفارت امریکا تماس گرفت و اظهار داشت که سوال های ذیل در یک مجلس شب گذشته بین سردار داود، سردار نعیم و وحید عبدالله طرح شده و به وی مستقیماً وظیفه داده شده است تا این سوالات را به مامور سفارت امریکا بپسارد تا از دولت امریکا پرسیده شود:

**الف-** موقف امریکا در مورد این که سردار داود دوباره قدرت را بدست بگیرد چیست؟

**ب-** آیا داود/نعیم بالای امریکا حساب کرده میتوانند که امریکا در مورد دوباره بدست گرفتن قدرت توسط آنها خوشبین خواهد بود؟

**ج-** آیا بعد از بدست گرفتن قدرت توسط داود/نعیم امریکا به ادامه کمک های اقتصادی و حمایت معنوی از حکومت افغانستان ادامه خواهد داد؟

**د-** آیا اضلاع متحده امریکا استقلال افغانستان را حفاظت خواهد کرد؟

به تاریخ 28 مارچ سال 1972 مطابق حمل سال 1350 هجری شمسی

**مسئله سوم -** راپور NHK 3262 تائید میکند که داود از ناکامی و عدم حرکت حکومت انتقاد کرده است و احتمال دو باره به قدرت آمدن سردار داود را بعید نمیداند. این را دوباره و تکرار می نویسم که احتمال دو باره به قدرت آمدن سردار داود را بعید نمیداند.

**4 -** تحلیل من از اوضاع به قرار آتی است: اول اینکه ما مطلقاً و این را تاکید میکنم که مطلقاً هیچ نشانه کدام تغییر فاحش در افغانستان مثل کودتا و غیره را در دست نداریم، دوم اینکه ما به صورت عمومی در مورد درستی عمل وحید عبدالله شک داریم، اما و من باید تاکید کنم که هیچ وقت قبل از این دفعه سوالاتی از جانب سردار داود با این درجه مشخص بودن و به این حد حاکمیت جدی به ما آورده نشده بود و دیگر اینکه با در نظر گرفتن رابطه تقریباً غلامی و باداری که وحید عبدالله با سردار داود و سردار نعیم دارد، این ناممکن است که وحید عبدالله به خود این جرئت را بدهد که در پیغام سردار داود به ما تغییری آورده باشد. دوم اینکه سفیر جدید ایران در افغانستان، تفضلی، از من در مورد نظرم باره سردار دادود خان پرسید، این یک سوالی است که سال ها است کسی از من در این مورد نه پرسیده بود.

**5 -** به نظر من چانس دوباره به قدرت رسیدن سردار داود از احتمالات بعید میباشد. از طرف دیگر سیاست های شناخته شده سردار داود، و وفاداری های خویشی و خاندانی سردار داود احتمال کودتا توسط وی را غیرممکن میسازد. از طرف دیگر نامشخص و گنگ بودن ماهیت بحران احتمال کودتا را منحیت یک حرکت ناچار و مجبوری ناممکن میسازد. اما در هر حال این ناممکن است که این حقیقت نادیده گرفته شود که در گروپ سردار داود حرکتی در جریان است. به نظر من این حرکات در گروپ سردار داود به دو ترتیب تشریح شده میتواند: اول - بعد از یک دوران غیر فعال بودن، سردار داود تصمیم به بازی کردن یک نقش فعال گرفته است و دوم - عمده ترین اخطار وی در داخل شورای خاندان شاهی خواهد بود، نه یک حرکت خارج از حلقه خاندان شاهی.

6 - به نظر من با در نظر داشت این اوضاع و بدون این که ما عکس العمل زیاده تر از اندازه نشان بدهیم، این برخلاف منافع دولت امریکا خواهد بود که ما در مقابل این رجوع کردن داود به ما بی اعتنائی نشان بدهیم. من میخواهم این را تاکید کنم که بی اعتنائی به رجوع داود به ما، برخلاف منافع دولت امریکا خواهد بود. اگر ما به رجوع داود به ما بی اعتنائی کنیم، شک و تردید سابقه ای وی را در مورد ما و مفکوره ای را که امریکا دشمن وی است را تصدیق خواهیم کرد. و باید در نظر داشت که داود این ظرفیت را دارد که کینه ها را برای مدت طولانی با خود نگهدارد.

7 - در عین زمان ما باید از دادن یک چنان پری [قطعه بازی] به دست داود خود داری کنیم که موقعیت وی را در قطعه بازی مجادله قدرت داخلی قوی بسازد و حتی دور دورانه منحصی حمایت دولت امریکا تعبیر شود.

8 - بنا بر آن اگر وزارت خارجه موافقت داشته باشد، اینجانب طرز العمل ذیل را پیشنهاد میکنم:

اول- ما باید صرفاً با وحید عبدالله از همان طریق مامور سفارت امریکا تعامل نماییم.  
دوم- جواب های ما به وی باید به ترتیب ذیل باشد:

1 - امور داخلی دولت افغانستان مربوط به دولت افغانستان میباشد و این برای دولت امریکا مناسب نیست که در این مورد نظر بدهد. تاکید شود که برای ما مناسب نیست تا در این مورد نظر بدهیم.

2 - منحصی یک پرنسپپ عمومی متذکر میشویم که طرز برخورد و نظر دولت امریکا در تمام دنیا و در موردهمه ای ممالک دنیا به پالیسی ها و طرز برخورد ممالک مذکور در قبال دولت امریکا مرتبط است. خاصتاً پالیسی ها و طرز برخورد ممالک در قبال منافع دولت امریکا و در قبال صلح و ثبات در منطقه میباشد.

3 - اگر داود و یا وحید عبدالله بپرسند که آیا این نظریات از واشنگتن ابلاغ شده است، من به مامور سفارت هدایت میدهم که جواب بدهد وی اجازه ندارد زیاده تر از اظهارات فوق چیزی بگوید.

9 - از وزارت خارجه تقاضای نظر و رهنمائی میگردد.

10 - در صورت صلاحدید وزارت خارجه میتواند موضوع را برای تهران و اسلام آباد تکرار نمایند.

رابرت نیومن - سفیر

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم